

گزارش
نقض حریم هوایی لهستان
توسط پهپادهای روسی از
نگاه رسانه‌های ایرانی

نقض حریم هوایی لهستان توسط پهپادهای بدون سرنشین فدراسیون روسیه در شب ۹ تا ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۵، به رویدادی با پیامدهای قابل توجه تبدیل شد. این حادثه واکنش فوری دولتها، بیانیتهای ناتو و موج گستردهای از گزارشها و تحلیلها در رسانهها را در پی داشت.

از دیدگاه مطالعات ارتباطات و امنیت اطلاعات، موضوع اصلی نه خود حادثه، بلکه شیوه بازنمایی آن در رسانه‌های کشورهای ثالث، به‌ویژه رسانه‌های فارسی‌زبان است. رسانه‌های خبری و تحلیلی فارسی این رویداد را به‌طور نسبتاً گسترده اما با احتیاط پوشش دادند؛ آنها بیانیتهای ورشو و مسکو را نقل کردند، پیامدهای سیاسی بینالمللی را شرح دادند و در عین حال بر عناصر واقع‌گرایانه (تعداد و مسیر پهپادها، بسته شدن فرودگاهها، بقایای پیدا شده) و جنبه‌های مرتبط با روایت‌های اطلاعاتی (کارزارهای اطلاعات نادرست و واکنشهای دیپلماتیک) تأکید کردند.

پژوهشهای موجود درباره پوشش رسانه‌ای در زمینه درگیریهایی نظامی، عمدتاً بر رسانه‌های غربی، روسی یا اوکراینی تمرکز دارند؛ و توجه کمتری به این موضوع شده که یک رویداد مشابه در رسانه‌های فارسی‌زبان – به‌ویژه رسانه‌هایی که در فضای محدود تنوع رسانه‌ای و تحت تأثیر روایت رسمی فعالیت می‌کنند – چگونه بازنمایی می‌شود. این خلأ پژوهشی از نظر نظری (درک سازوکارهای چارچوب‌بندی و انتقال اطلاعات میان نظام‌های رسانه‌ای) و از نظر عملی (ارزیابی تأثیر روایت‌های ایرانی بر برداشتهای امنیتی منطقه و چارچوبهای فکری در جهان اسلام) اهمیت دارد. هدف این گزارش تحلیل تطبیقی است:

شناسایی چارچوبهای اصلی که رسانه‌های فارسی‌زبان برای بازنمایی این حادثه به کار برده‌اند؛ 1.

استخراج انواع روایتها و شیوه بازتولید آنها در رسانه‌های ایرانی؛ 2.

ارزیابی نقش و گستره روایت‌های اطلاعات نادرست در میان مخاطبان فارسی‌زبان. 3.

این گزارش ابتدا پیش‌زمینه رویداد و اهمیت پدیده «چارچوب‌بندی رسانه‌ای» در روابط بینالملل را شرح می‌دهد، سپس روش انتخاب نمونه و تکنیک‌های تحلیل متنی را توضیح می‌دهد. در بخش تجربی، نمونه‌های نمایندگی از گزارشهای رسانه‌های ایرانی همراه با ترجمه عنوان و خلاصه محتوا، تحلیل واژگانی و بحثی درباره پیامدهای آن برای سیاست اطلاعاتی و امنیت منطقه‌ای ارائه می‌شود. در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای پژوهشهای آینده درباره گردش فراملی روایت‌های مرتبط با درگیریهایی سیاسی مطرح خواهد شد.

در رسانه‌های فارسی‌زبان، این حادثه به‌عنوان رویدادی مهم مطرح شد، اما بیشتر در چارچوب تصویر بزرگتر – یعنی در زمینه جنگ اوکراین و تنش میان روسیه و ناتو – بازنمایی شد، نه به‌عنوان نقطه بحرانی در روابط لهستان و روسیه. لهستان بیشتر به‌عنوان پس‌زمینه رخدادها نشان داده شده است تا یک بازیگر فعال در عرصه بینالمللی. روایت مقاله‌ها معمولاً دوطرفه بود («لهستان ادعا می‌کند»؛ «روسیه این اتهامات را رد می‌کند»). در رسانه‌های ایرانی موضع‌گیری آشکار به نفع یکی از طرفها دیده نمی‌شد، هرچند لحن کلی تا حدودی به روسیه نزدیک‌تر بود.

رسانه‌های ایرانی بیشتر به بیان وقوع حادثه بسنده کردند و به‌ندرت به نتیجه‌گیریهایی سیاسی یا حقوقی روشن می‌رسیدند (به‌جز اشاره به اینکه لهستان این اقدام را نوعی تجاوز تلقی کرده است). اشارات به نقش ایران فرعی بود و بیشتر جنبه تحلیلی داشت تا اینکه در مرکز توجه گزارشها قرار بگیرد. واکنشها عمدتاً «خنثی و سرد» بودند.

روایت‌های حاوی اطلاعات نادرست در اقلیت قرار داشتند، اما تأثیر قابل توجهی بر گفتوگوی اجتماعی داشتند. روایت‌های مثبت نسبت به روسیه وجود داشت، اما کم‌تعداد بودند و بیشتر از مسائل سیاست داخلی ایران نشأت می‌گرفتند.